

ماریکا کاریانی^۱

مذاکرات چندجانبه برای توافق راجع به رژیم حقوقی جدید دریای خزر براساس اتفاق آراء بدون اینکه به نتیجه‌ای منجر شده باشد، همچنان در جریان است. با ابتکار روسیه یک وضعیت جدید بین روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان ایجاد شده و توافقهایی به صورت دوجانبه برای تقسیم بستر و تنظیم مقررات بهره‌برداری از منابع نفت و گاز برخی حوزه‌های نفتی در دریا صورت گرفته است. این مقاله شرایطی را که منجر به امضای این توافقنامه‌ها شده و همچنین مضمون آنها را مورد تحلیل قرار داده و به بررسی تبعات احتمالی این رهیافت سیاسی جدید در موارد ذیل پرداخته است: ۱. بر دیگر کشورهای ساحلی خزر (ایران و ترکمنستان)؛ ۲. در رسیدن به اجماع راجع به رژیم حقوقی دریای خزر؛ ۳. بر امنیت منطقه‌ای و توسعه روابط حسن همجواری بین پنج کشور ساحلی.

حوزه دریای خزر بخش اعظمی از اوراسیا - مرز آسیا و اروپا را شامل می‌شود و از نظر جغرافیایی و ژئوپلیتیک، منطقه منحصر به فرد و وسیعی را از دریای سیاه تا آسیای مرکزی در محور شرق - غرب و از قفقاز روسیه تا ایران در محور شمال - جنوب، دربر می‌گیرد. وجود نفت و گاز در قفقاز و آسیای مرکزی از قرن ۱۳ میلادی به ثبت رسیده است.^(۱) وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در بخشی از جهان، با اهمیت ژئواستراتژیک - چهارراه آسیای مرکزی و روسیه، ایران و قفقاز - توجه فزاینده بین‌المللی به دریای خزر به ویژه پس از ۱۹۹۱ که منطقه درهای خود را به روی سرمایه‌گذاری خارجی باز کرد، توجیه می‌کند. ذخایر قابل استحصال خزر بین ۷۰-۵۰ میلیارد بشکه نفت معادل ۴-۶ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان و ۱۵-۱۰ تریلیون مترمکعب گاز، معادل ۱۰-۷

۱. این مقاله به قلم خانم Marika S. Karayianni تحت عنوان "Bilateral Protocols: A New Political Approach for Hydrocarbon Exploitation in the Caspian Sea" به صورت بولتن ویژه شماره ۲۲ مؤسسه روابط اقتصادی بین‌المللی آن در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده و توسط آقای مجتبی دمیرچی‌لو به فارسی ترجمه شده است.

درصد ذخایر گاز قابل برداشت جهان، برآورد می‌گردد. پیش‌بینی می‌شود تولید نفت تا سال ۲۰۲۰ به دو میلیون بشکه در روز برسد. به‌نظر می‌رسد بخش اعظم ذخایر در بخش شمالی دریای خزر قرار دارد.

به دلیل آسانتر بودن استخراج نفت و مشکلات کمتر انتقال آن در مقایسه با گاز، انتظار می‌رود که طرح‌های نفتی در ۱۰ سال آینده بیش از گاز مد نظر قرار گیرد.^(۲) واقعیت این است که ما هنوز تصویر روشنی از میزان ذخایر نفت و گاز دریای خزر نداریم. روشن است که حجم آن با ذخایر خاورمیانه قابل قیاس نیست ولی می‌تواند به عنوان یک دریای شمال دوم مطرح شود. شرکت‌های نفتی فعال در منطقه به‌ویژه در جمهوری آذربایجان در فعالیتهای خود با ناکامی‌های زیادی روبرو شده‌اند. صرفاً دو اکتشاف عظیم نفتی که می‌توانند اهمیت نفت و گاز خزر را در آینده افزایش دهند عبارتند از: «کاشاقان» در قزاقستان و «شاه‌دنیز» در جمهوری آذربایجان.

شرکت آجیپ مجری کارشاقان در ۱ جولای ۲۰۰۲ اعلام کرد که ذخایر قابل برداشت این حوزه برابر با ۷-۹ میلیارد بشکه نفت می‌باشد در حالی که ذخایر شاه‌دنیز بین ۴۰۰ میلیارد تا یک تریلیون مترمکعب گاز طبیعی برآورد می‌شود که احتمالاً برای تأمین گاز خط لوله گاز پیشنهادی باکو-تفلیس-ارزروم مورد استفاده قرار خواهد گرفت.^(۳) انتظار می‌رود دریای خزر در مجموع ۳-۵ درصد تقاضای جهانی نفت را تأمین نماید.

سه ویژگی بارز در استخراج و صدور نفت و گاز خزر مطرح است که عبارتند از:

۱. جغرافیای منطقه: به دلیل محصور بودن منطقه و نداشتن دسترسی به آبهای آزاد، مشکل مسیرهای صادراتی مطرح می‌شود.

۲. معوق ماندن مسئله توافق راجع به رژیم حقوقی جدید دریای خزر و پیامدهای آن برای دو موضوع مهم: الف) توسعه میادین دریایی که تا حد خاصی با مانع روبرو شده است؛ ب) به مخاطره افتادن امنیت منطقه‌ای بین پنج کشور ساحلی.

۳. ریسک تجاری بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که از بروکراسی و اختلاس و شرایط موافقتنامه‌های مشارکت در تولید نشأت می‌گیرد.^(۴)

فروپاشی شوروی وضعیت جدیدی را در منطقه دریای خزر ایجاد کرد. پیش از آن فقط دو کشور ساحلی وجود داشت - اتحاد جماهیر شوروی و ایران. اکنون پنج کشور وجود دارد: روسیه، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ایران. معاهده دوستی مورخ ۱۹۲۱ و موافقتنامه بازرگانی و بحرییمایی مورخ ۱۹۴۰ منعقد بین ایران و شوروی، رژیم حقوقی دریای خزر را شکل می‌دهد. امروزه آن معاهدات از سوی پنج کشور که درگیر مذاکرات تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی هستند، به عنوان اسنادی که تاریخ مصرف آنها به پایان رسیده، محسوب می‌شوند.^۱

معاهده اول مسایل سیاسی عادی‌سازی روابط در دوره بعد از جنگ جهانی اول را دربر می‌گیرد. در حقیقت بدون توجه به مسئله رژیم حقوقی دریای خزر، به اصل تساوی حقوق در روابط ایران و شوروی پرداخته است. معاهده دوم فقط به حقوق کشتیرانی و ماهیگیری پرداخته و کشتیرانی و ماهیگیری توسط کشتی‌های تحت پرچم کشورهای غیرساحلی را ممنوع ساخته و یک منطقه ساحلی ۱۰ مایلی ایجاد می‌کند. اصول حاکم بر این معاهدات، «حقوق انحصاری متعاهدین» است.^(۵) به هر حال یک خلاء حقوقی در این معاهدات وجود دارد.^۲ دریای خزر هیچ‌گاه بین کشورهای ساحلی تقسیم و تحدید حدود نشده و تحت مالکیت انحصاری و مشترک آنها باقی مانده است. هیچ‌گاه مرز دریایی بین دو کشور متعاهد ترسیم نشده است. بنابراین سئوالهای مربوط به حاکمیت و حقوق بهره‌برداری از میادین نفتی دریای خزر بدون پاسخ

۱. ایران همواره تأکید کرده که رژیم حقوقی خزر مبتنی بر معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ منعقد بین ایران و شوروی است و مذاکره برای تکمیل رژیم حقوقی موجود و تطبیق آن با نیازهای جدید به معنی بی‌اعتباری معاهدات مذکور نیست. روسیه نیز علی‌رغم امضای موافقتنامه‌های دوجانبه راجع به تقسیم بستر خزر به منظور بهره‌برداری از منابع معدنی معتقد است معاهدات مذکور همچنان معتبر بوده و توافقات دوجانبه نیز به مواردی پرداخته که در معاهدات مذکور مسکوت بوده است.

۲. غالب محققین ایرانی معتقدند عدم اشاره به برخی از موضوعات از جمله بهره‌برداری از منابع نفتی به دلیل عدم موضوعیت آن در برهه زمانی تدوین معاهدات مذکور است و حقوق برابر دو کشور در خصوص کشتیرانی و شیلات قابل تعمیم به دیگر مسایل خزر نیز می‌باشد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

- تحولات رژیم حقوقی دریای خزر در http://khabarnameh.gooya.com/cgi_bin/gooya/mt-tb/5474

- حقوق طبیعی و واقعی ایران در دریای خزر <http://paniranism.org/caspian.html>

- یوسف مولابی، «دریای کاسپین و حاکمیت ایران»، بولتن مرکز عالی مطالعات بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره سوم، اردیبهشت ۱۳۸۱.

می ماند. به علاوه، چیزی در خصوص حفاظت از منابع طبیعی به ویژه ذخایر استروژن و حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی نشده است.

رژیم حقوقی کنونی دریای خزر نه تنها برای ایران و روسیه بلکه برای سه کشور استقلال یافته نیز همچنان معتبر است. سران آنها به همراه دیگر اعضای جامعه مشترک المنافع صراحتاً در اعلامیه آلمانی در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ موافقت کردند که به تعهدات بین‌المللی ناشی از معاهدات و موافقتنامه‌های امضاء شده در دوران شوروی سابق پایبند هستند.^(۶) این بدان معنی است که تا زمان توافق در خصوص رژیم حقوقی جدید دریای خزر، پنج کشور ساحلی از نظر حقوقی، به دو معاهده ایران و شوروی که در دوران حیات شوروی منعقد شده است، متعهد هستند.

رایزنی‌های کشورهای ساحلی خزر در خصوص رژیم حقوقی جدید در سطح رؤسای جمهور و به صورت دو جانبه و چندجانبه در جریان است. جمهوری آذربایجان اولین کشوری بود که در سال ۱۹۹۲ موضوع تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر را با توجه به مذاکراتی که با شرکت‌های نفتی خارجی علاقمند به سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز خزر در جریان بود، مطرح کرد. در سپتامبر ۱۹۹۴، «قرارداد قرن» بین AIOC (شرکت بین‌المللی عملیات آذربایجان) و SOCAR (شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان) برای بهره‌برداری از حوزه نفتی «آذری، چراغ و گونشلی»، امضاء شد.

در سال ۱۹۹۶ دو ملاقات در سطح رؤسای جمهور صورت گرفت. اولی ملاقات بین روسیه و قزاقستان در آوریل و دومی در ماه مه بین ایران و قزاقستان. در این ملاقاتها اعلامیه مشترکی در خصوص خزر تهیه شد که طرفهای امضاکننده بر موارد ذیل تأکید داشتند:

- الف) موضوع رژیم حقوقی دریای خزر صرفاً امری مربوط به پنج کشور ساحلی است.
 - ب) تدوین و نهایی کردن کنوانسیون رژیم حقوقی بر اساس اتفاق آراء ضرورت دارد.
- به‌ویژه بیانیه روسیه - قزاقستان تصریح دارد که «هیچ‌یک از طرفها حق تصمیم‌گیری یکجانبه راجع به رژیم حقوقی دریای خزر را ندارد».

ج) هریک از کشورهای ساحلی خزر حق بهره‌برداری از ذخایر معدنی خزر را براساس رژیم حقوقی جدید که مورد تصویب قرار خواهد گرفت، دارد. (۷)

علی‌رغم چندین سال رایزنی مداوم و مذاکرات دوجانبه و چندجانبه در سطح معاونین وزرای خارجه در قالب «گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر^۱»، هنوز توافقی نهایی حاصل نشده است. البته پیشرفتهای مهمی نیز حاصل شده است.

مواضع کشورها با توجه به فاکتورهای متعددی از جمله موقعیت جغرافیایی و دسترسی به خطوط لوله، ملاحظات ژئواستراتژیک، شاخص‌های اقتصادی هر کشور و موقعیت حوزه‌های نفتی اتخاذ می‌شود. تا سال ۱۹۹۸ که اولین موافقتنامه دوجانبه تقسیم بخش شمالی خزر بین روسیه و قزاقستان منعقد شد، سه موضع مطرح می‌شد:

الف) آذربایجان معتقد بود دریای خزر به عنوان دریاچه مرزی یا بین‌المللی باید بین کشورهای ساحلی به بخشهای ملی تقسیم شود.

ب) قزاقستان دریای خزر را به عنوان یک دریای بسته تلقی می‌کند که بایستی اصول و قواعد حقوق دریاها، از جمله کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) بر آن حاکم باشد. روسیه و ایران با تقسیم خزر مخالفت و اصل مدیریت مشترک از جمله مشاع را مطرح می‌کردند.

ج) موضع ترکمنستان نامشخص است ولی در کل از موضع ایران و روسیه در مسئله تقسیم دریا به بخشها حمایت می‌کند. (۸)

وضعیت کنونی

جلسه ویژه شورای امنیت فدراسیون روسیه به ریاست رئیس جمهور پوتین، در خصوص

۱. گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر متشکل از معاونین وزرای خارجه کشورهای ساحلی بر اساس تصمیم اجلاس وزرای خارجه این کشورها در آبان ۱۳۷۵ در عشق‌آباد تشکیل شد. این گروه تا آذر ۱۳۸۴ طی ۱۹ اجلاس (اجلاس نوزدهم در ۲-۱ آذر ۸۴ در آستانه پایتخت قزاقستان برگزار شد) موفق به تدوین بخشهایی از کنوانسیون مذکور شده ولی برخی مسایل مهم از جمله نحوه تعیین محدوده‌های بهره‌برداری از منابع نفتی همچنان مورد اختلاف است.

منطقه دریای خزر در آوریل ۲۰۰۰ برگزار شد. در این جلسه اصول سیاستهای روسیه در خصوص منطقه خزر مورد تصویب قرار گرفت. مهمترین نکته در تصمیمات این شورا این است که منطقه خزر از تمام جهات از جمله امنیت ملی برای روسیه اهمیت زیادی دارد. اهمیت منطقه خزر برای روسیه را ترکیبی از عوامل اقتصادی و ژئوپلیتیک زیر مشخص می‌کند:

۱. پایداری روسیه بر مواضع خود راجع به منطقه تا حد زیادی بر توانایی روسیه برای مقابله با تروریسم بین‌المللی، همچنین توانایی‌های سیاست خارجی این کشور در جنوب آسیا، خاورمیانه و خاور نزدیک دلالت دارد. با توجه به عملیات ضد تروریستی در افغانستان و جنگ در عراق، اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیک منطقه خزر حتی افزایش نیز پیدا کرده است.

۲. ثبات منطقه‌ای و وضعیت بی‌ثباتی در مناطق هم‌جوار روسیه تا حد خاصی به تحولات منطقه خزر بستگی دارد. در نتیجه، تأمین امنیت مرزهای روسیه در قفقاز جنوبی و دریای خزر حیاتی است.

۳. کشورهای ساحلی خزر عضو CIS - جمهوری‌های شوروی سابق - در سیاست خارجی روسیه از اولویت بالایی برخوردارند.

۴. میلیون‌ها روس در دیگر کشورهای ساحلی خزر زندگی می‌کنند.

۵. در بخش انرژی، روسیه می‌تواند و باید از طریق مشارکت در توسعه منابع هیدروکربن خزر نسبت به تأمین نیازهای داخلی خود و همچنین در مسئله انتقال به بازارهای جهانی منافع خود را دنبال نماید.^(۹)

در نتیجه، اولویتهای سیاست خزری روسیه دامنه وسیعی از مسایل از جمله تأمین ثبات و صلح و تقویت همکاری با کشورهای ساحلی خزر، حمایت از شرکتهای روسی فعال در منطقه خزر، انتقال ذخایر هیدروکربن خزر به بازارهای خارجی از طریق خطوط لوله واقع در قلمرو روسیه، ایجاد کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب^(۱۰) و حل و فصل مشکل رژیم حقوقی دریای خزر و همچنین مسایل مربوط به حفاظت از محیط زیست و حفظ و مدیریت منابع بیولوژیک را دربر می‌گیرد.

موضع روسیه در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر به گونه‌ای است که دریای خزر را به عنوان یک پهنه آبی منحصر به فرد محصور در خشکی تلقی می‌کند به گونه‌ای که مشمول موازین با تعاریف «معاهده مونته‌گویی» راجع به حقوق دریاها مصوب سال ۱۹۸۲ نمی‌باشد.^۱ روسیه با هدف توسعه هرچه سریعتر منابع نفتی واقع در کرانه‌های خزر و در عین حال حمایت از مذاکراتی که در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر در جریان بود، در موضع اولیه خود تغییراتی را صورت داد. لازم به ذکر است که در واقع موضع روسیه از اصل مشاع به تقسیم دریا به بخشهای ملی بر اساس خط میانی اصلاح شده تغییر پیدا کرد.^۲

موضع کنونی روسیه در خصوص تقسیم دریای خزر به طور خلاصه بر چهار اصل بنیادی زیر مبتنی است:

الف) اشتراک آب - تقسیم بستر؛

ب) حل و فصل مرحله‌ای؛

ج) توافق نهایی باید مبتنی بر اتفاق آراء باشد؛

د) تقسیم منابع (هیدروکربن) بین کشورهای ساحلی خزر بر اساس خط میانی اصلاح

شده و به نسبت ۵۰-۵۰^۳(۱۱)

بر اساس این پیشنهاد، روسیه بیشترین سهم را در خزر کسب نخواهد کرد.^(۱۲) خط میانی برای ایجاد مناطق ساحلی ملی و ماهیگیری، یک خط صرفاً طبیعی و جغرافیایی است که از نقاط ساحلی ذیربط پنج کشور ساحلی به یک فاصله است. در مقابل بر اساس خط میانی اصلاح شده پیشنهادی روسیه هرگاه یک حوزه نفتی بین دو کشور واقع شده باشد، می‌توان منابع

۱. کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ (UNCLOS)

۲. لازم به ذکر است روسیه مسئله تقسیم خزر به بخشهای ملی را مطرح نکرده بلکه مسئله تقسیم بستر به منظور اعمال حقوق حاکمه در بهره‌برداری از منابع معدنی و استفاده مشترک از آب با در نظر گرفتن یک نوار ساحلی تحت حاکمیت ملی کشورها را مطرح می‌نماید.

۳. منظور، بهره‌برداری مشترک (به صورت ۵۰-۵۰) از منابع نفتی واقع بر روی خط تقسیم است. مؤلف در مقاله بارها از خط میانی به عنوان «اصل» یاد کرده است که باید متذکر شد خط میانی یک شیوه (Method) نسبتاً متداول در تحدید حدود دریایی است و نه یک اصل.

را از طریق مصالحه به صورت نصف - نصف (۵۰-۵۰) تقسیم کرد. این اصل تقسیم منابع و اختصاص حوزه‌های نفتی برای کشورها بر اساس توافق دوجانبه با واکنش مثبت قزاقستان و آذربایجان مواجه و منجر به امضای موافقتنامه دوجانبه با روسیه و نهایتاً توافق سه‌جانبه شد. از نظر سیاسی و حقوقی، این امر تغییر موضع مهمی از سوی روسیه برای تأمین نظرات آذربایجان و قزاقستان بود.

هر دو موافقتنامه روسیه با آذربایجان و قزاقستان و همینطور موافقتنامه‌های دوجانبه بین آذربایجان و قزاقستان در پارلمانهای کشورهای مربوطه به تصویب رسیده و لازم‌الاجرا شده‌اند. در ماه مه ۲۰۰۲، این سه کشور موافقتنامه سه‌جانبه‌ای در خصوص نقطه تلاقی خطوط تقسیم محدوده‌های بهره‌برداری امضا کردند. در حال حاضر مذاکرات دوجانبه برای امضای موافقتنامه دوجانبه دیگری بین قزاقستان و ترکمنستان در جریان است و پیش‌نویس موافقتنامه دوجانبه قبلاً تهیه شده و نیاز به نهایی کردن دارد.

آذربایجان و قزاقستان نیز به نوبه خود در صدد بودند تا مواضع خود را با روسیه همسو نمایند، با این هدف که بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی به دلیل نبود اتفاق آراء در خصوص رژیم حقوقی بیش از این با مانع مواجه نشود. در نتیجه، این کشورها در خصوص تحدید حدود بخش شمالی دریای خزر با روسیه توافق نمودند. توافق روسیه - قزاقستان در جولای ۱۹۹۸ امضا شد و در بیانیه رؤسای جمهور دو کشور (پوتین و نظربایف) راجع به همکاری در خصوص خزر که در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۰ در آستانه امضا شد، مجدداً تأیید شد. پوتین همچنین بیانیه مشترکی راجع به اصول همکاری در دریای خزر در سفر رسمی خود به باکو در تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ امضا نمود در خلال بازدید رسمی حیدر علی‌اف به مسکو در ژانویه ۲۰۰۲، موافقتنامه تحدید حدود بستر مناطق مرکزی دریای خزر امضا شد. درست قبل از آن رؤسای جمهور قزاقستان و آذربایجان (علی‌اف و نظربایف) یک موافقتنامه در خصوص تقسیم بستر دریا بین آذربایجان و قزاقستان امضا کردند.

در بخش جنوبی خزر، ایران و آذربایجان دارای روابط تاریخی و سنتی نزدیک هستند.

دو کشور مرزهای مشترک دارند و یک اقلیت آذری در شمال ایران زندگی می‌کنند ولی این موضوع هیچ‌گاه موجب اصطکاک شدید بین دو کشور نشده است. مهمترین موضوع ناراضیاتی بین دو کشور وضعیت سه حوزه نفتی آراز- الو- شرق / البرز واقع در آبهای دو کشور می‌باشد. در جولای ۲۰۰۱، ایران برای متوقف کردن فعالیت شناور BP که از طرف سوکار در این حوزه مشغول فعالیت اکتشافی بود، یک قایق نظامی فرستاد. در لحظات آخر از وقوع هر حادثه‌ای جلوگیری شد و از آن موقع بهره‌برداری از این حوزه متوقف شد. گرچه ایران، آذربایجان، روسیه و قزاقستان را در مسئله امضای موافقتنامه‌های دوجانبه بشدت مورد انتقاد قرار می‌دهد، ولی رایزنی‌های دوجانبه بین ایران و جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در جریان است. به صورت رسمی ایران از اصل مشاع به تقسیم بخش خزر تغییر موضع داده است و علی‌رغم توافقی‌های صورت گرفته در بخش شمالی بر اصل تقسیم خزر به بخش‌های ملی (۲۰ درصد برای هر کشور) اصرار دارد.^(۱۳) در صورت پذیرش خط میانی اصلاح شده در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، سهم ایران در خزر ۱۳ درصد خواهد بود. به همین دلیل با پیشنهاد روسیه مخالفت دارد و بر تقسیم دریا به بخشها بطور مساوی اصرار دارد.^۱

راجع به توافقات دوجانبه، ایران مجدداً مخالفت خود را ابراز نموده و بر اصل اتفاق آراء همچنان تأکید دارد. وزیر امور خارجه ایران طی اظهارات رسمی به خبرگزاری ایران (ایرنا) گفت: هرگونه اقدام یکجانبه یا توافق مغایر با اصل اتفاق آراء نه تنها به حل مسایل خزر کمک نخواهد کرد بلکه صرفاً موجب افزایش سوء تفاهم می‌گردد.^(۱۴) با این وجود اظهارات مهدی صفری معاون وزیر امور خارجه ایران نشان می‌دهد که نرمشی در مواضع ایران دیده می‌شود. گرچه ایران

۱ لازم به ذکر است استفاده از شیوه خاصی از جمله «خط میانی» برای تحدید حدود دریایی حتی در دریاهای آزاد نیز الزام‌آور نیست. آنچه که در تحدید حدود دریایی می‌بایست مدنظر قرار گیرد «نیل به نتیجه منصفانه» است که یکی از معیارهای سنجش آن نیز تناسب بین سهم حاصله از تقسیم با طول سواحل کشورهاست. لذا استفاده از خط میانی برای تعیین مناطق بهره‌برداری از منابع نفت و گاز خزر نه تنها الزام‌آور نیست بلکه نتیجه آن به دلیل شرایط خاص از جمله تفرع سواحل ایران نیز منصفانه نخواهد بود. از نظر ایران در صورت تعدیل خط میانی برای رسیدن به نتیجه منصفانه سهم ایران حدود ۲۰ درصد خواهد بود. این امر به معنی تقسیم برابر و اختصاص ۲۰ درصد از دریای خزر برای هر یک از کشورهای ساحلی نیست.

حمایت خود را از مذاکرات چندجانبه اعلام کرده و توافقه‌های دوجانبه را رد می‌کند، بر این واقعیت توجه دارد که این توافقه‌ها می‌تواند مبنا و زمینه‌ساز توافق نهایی در مسئله رژیم حقوقی باشد.^۱ احساس می‌شود که ایران در حال حاضر آماده مصالحه و رسیدن به یک توافق با ۴ کشور همسایه خزری خود در مسئله رژیم حقوقی است. واقعیت‌های خزر و همچنین این موضوع که در بخش جنوبی خزر نفت زیادی وجود ندارد، می‌تواند عامل این تغییر موضع آرام در دیپلماسی ایران باشد. در هر حال، منافع اصلی ایران در بخش انرژی در خلیج فارس در حوزه‌های پارس جنوبی و آزادگان است.

در خصوص ترکمنستان گفتنی است این کشور از تقسیم دریای خزر به بخش‌های ملی با استفاده از خط میانی حمایت می‌کند. آذربایجان پیشنهاد ترسیم خط میانی بین آذربایجان و ترکمنستان بر اساس فواصل برابر از نزدیکترین نقاط ساحلی دو کشور را مطرح می‌کند در حالی که ترکمنستان پیشنهاد می‌کند وضعیت شبه جزیره آبشرون که بشدت در دریای خزر پیشرفته است، در ترسیم این خط باید مد نظر قرار گیرد. با توجه به چگونگی واقع شدن این پهنه آبی بین ترکمنستان و آذربایجان، ترسیم خط میانی با استفاده از روش نقاط هم فاصله که بر اساس عرض دریا بین دو کشور محاسبه می‌شود، به نفع ترکمنستان است. ترکمنستان با ادعاهای ارضی آذربایجان در خصوص چند ساختار نفتی مهم که در زمان شوروی در حوزه عملیاتی این کشور قرار می‌گرفته، مخالف است.^(۱۵) حوزه‌های نفتی مورد اختلاف بین آذربایجان و ترکمنستان شامل حوزه‌های نفتی عثمان (چراغ)، خزر (آذری) و کپز (سردار) در میانه خزر است. بر اساس مواضع ترکمنستان، آذربایجان بر خلاف موازین حقوقی و نقشه‌های موجود بصورت غیرقانونی در این دو حوزه فعالیت دارد. علی‌رغم اعتراض‌های ترکمنستان، آذربایجان در صدد برآمده که در ساختار آلتین عصیر (شرق) که در بخش ترکمنی خزر واقع شده، نیز به عملیات بپردازد.

۱. ایران معتقد است توافق پنج‌جانبه برای حل و فصل مسایل دریای خزر ضرورت دارد و رایزنی‌های دوجانبه را نیز در راستای نیل به توافق پنج‌جانبه مفید تلقی می‌نماید.

در مذاکرات ترکمنستان و ایران نیز پیشرفت مشاهده می‌شود. علی‌رغم طرفداری از ایده توافق بر اساس اتفاق آراء در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر، ترکمنستان و ایران قصد دارند روند تحدید حدود دوجانبه دریا و همکاری فعال در زمینه توسعه منابع هیدروکربنی را تسریع نمایند. این نتیجه را می‌توان از اولین دور رایزنی‌های ایران و ترکمنستان برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و همکاری مشترک که در ۲۷ مارس ۲۰۰۲ در عشق‌آباد برگزار شد، استنباط کرد. تحدید حدود به هر دو کشور اجازه فعالیت مشترک در حوزه‌های نفتی واقع در مرزهای دریایی را خواهد داد.^(۱۶) دو طرف تا حد زیادی در خصوص تعیین منطقه ملی و منطقه اقتصادی ۴۰-۳۵ مایلی موضع مشترک دارند، در حالی که روسیه پیشنهاد کرده است مجموع منطقه ساحلی و اقتصادی ۱۵ مایل باشد.^(۱۷) با این وجود گرچه ایران ممکن است از حمایت نیازاف در مقابله با پیشنهاد خط میانی مسکو استقبال نماید، به نظر می‌رسد که هنوز در امضای قراردادی دوجانبه با ترکمنستان مشابه قراردادی که روسیه با همسایگان خود امضا کرده، احتیاط می‌کند. موضع رسمی ایران این است که ابتدا در خصوص رژیم حقوقی اتفاق آراء حاصل شود و سپس توافقه‌های دوجانبه صورت گیرد.^(۱۸)

هر پنج کشور علی‌رغم مواضع ناهمگون در خصوص سه موضوع مهم به عنوان مبنای مذاکرات دوجانبه و پنج‌جانبه خود توافق دارند:

۱. تا زمان نیل به توافق جدید، دو معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین شوروی سابق و ایران بایستی رعایت شود.

۲. کلیه حقوق مربوط به منابع طبیعی دریای خزر صرفاً به ۵ کشور ساحلی خزر تعلق دارد.

۳. صرفاً ۵ کشور ساحلی خزر و بر اساس اتفاق آراء و مبتنی بر اصل مذاکرات مرحله‌ای باید رژیم حقوقی خزر را تعیین نمایند.^(۱۹)

پس از چندین بار تعویق، اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر، بنابه دعوت نیازاف رئیس‌جمهور ترکمنستان در تاریخ ۲۴-۲۳ آوریل ۲۰۰۲ در عشق‌آباد برگزار شد. برای

اولین بار سران ۵ کشور ساحلی در ملاقات خود موضوعات زیادی را در خصوص رژیم حقوقی بهره‌برداری از منابع معدنی، حفاظت از محیط زیست، امنیت و ثبات در دریای خزر مورد مذاکره قرار دادند.^۱ به عنوان نتیجه، اجلاس عشق‌آباد تشکیل ساختار جدیدی تحت عنوان «شورای سران کشورهای ساحلی» را پیشنهاد نمود.^۲ رهبران ۵ کشور بیانیه اجلاس را که معاونین وزرای خارجه تهیه کرده بودند به دلیل اینکه هنوز بسیاری از مسایل حل نشده بود، امضا نکردند. همانطور که نیازاف اظهار کرد «رؤسای جمهور تصمیم گرفتند مسئولیت امضا هیچ نوع قطعنامه‌ای را به عهده نگیرند».^(۲۰) مع‌هذا این برای اولین بار بود که سران ۵ کشور ساحلی در عالی‌ترین سطح به تبادل نظر در خصوص جنبه‌های مختلف همکاری در خزر پرداختند و امضای هرگونه سندی را به بعد موکول کردند.

ایگور ایوانوف وزیر امور خارجه روسیه در سخنرانی خود در دهمین نشست اجلاس گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی در جولای ۲۰۰۳ در مسکو برگزاری اجلاس وزرای خارجه کشورهای ساحلی^۳ در اواخر ۲۰۰۳ و اوایل ۲۰۰۴ با هدف تقویت روند مذاکرات ۵ کشور را پیشنهاد نمود.^(۲۱) به منظور برگزاری دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی در تهران در سال ۲۰۰۴ رایزنی با تهران به عنوان میزبان^۴ بالقوه در جریان است.^(۲۲)

بخش عمده مذاکرات تدوین کنوانسیون جدید رژیم حقوقی دریای خزر به صورت منظم در قالب گروه ویژه کاری تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی در سطح معاونین وزرای امور خارجه

۱. در سال ۱۹۹۲ و در حاشیه اجلاس سران اکو در تهران اجلاسی تحت عنوان اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر با حضور رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان، کفیل ریاست جمهوری آذربایجان، معاون نخست وزیر قزاقستان و سفیر روسیه در تهران برگزار شده بود.
۲. این پیشنهاد از سوی ترکمنستان مطرح ولی به دلیل مخالفت حیدرعلی‌اف رئیس جمهور وقت آذربایجان پذیرفته نشد.
۳. این اجلاس با حضور وزرای امور خارجه ۵ کشور ساحلی خزر در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳ در مسکو برگزار شد.
۴. قرار بود این اجلاس در دی ماه ۱۳۸۳ در تهران برگزار شود که با توجه به نظر برخی از کشورهای ساحلی مبنی بر برگزاری آن پس از پیشرفت در تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی به مدت نامعینی به تعویق افتاد.

صورت می‌گیرد که بر اساس تصمیم وزرای خارجه ۵ کشور ساحلی در سال ۱۹۹۶ ایجاد شده است. تا پایان سال ۱۹۹۸ این گروه فقط دو اجلاس برگزار کرده بود. تلاشهای مشترک زمینه احیاء آن را فراهم کرد. گروه کاری نشستهای خود را شش ماه یکبار در پایتخت یکی از کشورهای ساحلی برگزار می‌کند.^۱ این گروه مذاکرات خود را در خصوص کنوانسیون (که به دلیل برگزاری اجلاس سران متوقف بود) در ۲۶ فوریه ۲۰۰۳ در باکو از سر گرفت. پیش‌نویس کنوانسیون توسط خلف خلف اف معاون وزیر امور خارجه آذربایجان ارائه شد. وی در ۲۷ فوریه اعلام کرد که پیش‌نویس متن را تمام کشورهای ساحلی دریافت کرده‌اند.^(۲۳) همچنین ویکتور کالیوژنی همتای روسی وی اعلام کرد که توافق نهایی ظرف یک سال محتمل است.^(۲۴) بیانیه مطبوعاتی (اجلاس باکو) عنوان می‌کند که طرفها پیشرفتهایی داشته‌اند. مقدمه و بسیاری از مواد مربوط به مدیریت دریای خزر بطور کلی مورد توافق قرار گرفته است. با این وجود اختلاف در خصوص نحوه تقسیم باقی است. همچنان ایران بر اساس اظهارات مهدی صفری، معاون وزیر امور خارجه ایران به اصل تقسیم دریا به بخشهای ملی به نحوی که سهم ایران ۲۰ درصد باشد، اصرار دارد.^(۲۵) ضمن اینکه روسیه، آذربایجان و قزاقستان بر تقسیم بستر بر اساس خط میانی و در عین حال استفاده مشترک از سطح آب توافق دارند. این اصل مبنای امضای توافقات دوجانبه بین این کشورها بوده است که به آن اشاره خواهیم داشت.^(۲۶)

در مجموع گروه کاری در سال ۲۰۰۳ چهار نشست برگزار کرد که یک رکورد محسوب می‌شود و نشانگر تقویت روند مذاکرات است. در طول این سال معاونین وزرای خارجه ماده به ماده متن کنوانسیون را بررسی کردند. در پیش‌نویس کنوانسیون، دریای خزر به عنوان «یک پهنه آبی محصور بین قلمرو طرفها که سواحل آن بر نقشه‌ای که جزو لاینفک کنوانسیون است، نشان داده شده است». در مقدمه و همچنین بسیاری از مواد کنوانسیون راجع به مسایل مربوط به مقررات زیست محیطی، بهره‌برداری از منابع زیر بستر، ماهیگیری و کشتیرانی توافق شده است. گروه کاری، پیشنهاد روسیه راجع به «تقسیم بستر - استفاده مشترک از سطح آب» و

۱. اجلاسهای این گروه هر سه ماه یک بار برگزار می‌شود.

همچنین «ایجاد منطقه انحصاری ماهیگیری» برای هریک از کشورهای ساحلی را تأیید نموده است. همچنین پیشنهاد روسیه مبنی بر ایجاد منطقه ملی ۱۵ مایلی مورد تأیید قرار گرفته است.^۱ با این وجود امضای کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ در تهران، مهمترین نقطه عطف در مسئله تحدید حدود دریای خزر تلقی می‌گردد. این کنوانسیون تحت نظارت برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ) مورد مذاکره قرار گرفت و توسط کشورهای ساحلی به امضا رسید. این کنوانسیون گرچه، مسئله رژیم حقوقی را حل نمی‌کند ولی به هر حال کشورهای امضاکننده را در زمینه کاهش و جلوگیری از آلودگی، اجرای برنامه‌های بازسازی زیست محیطی و استفاده پایدار از منابع و همچنین همکاری کشورهای عضو با یکدیگر و سازمانهای بین‌المللی، متعهد می‌نماید. (۲۷)

امضای این کنوانسیون نقطه عطفی در تاریخ دیپلماسی خزر بود. در اصل این اولین معاهده چندجانبه‌ای است که پس از معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و فروپاشی شوروی منعقد می‌شود.

موافقتنامه‌های دوجانبه

لازم به ذکر است که بخش اعظم ذخایر نفتی در بخشهای شمالی و غربی دریای خزر در سواحل آذربایجان، روسیه و قزاقستان واقع شده‌اند. پیشرفت قابل توجهی بین این سه کشور صورت گرفته و با هدف بهره‌برداری از منابع نفتی بدون انتظار برای توافق نهایی راجع به رژیم حقوقی در سطح ۵ جانبه، موضع یکسانی اتخاذ کرده‌اند.

روسیه در زمینه توافقهای دوجانبه برای تقسیم منابع نفتی واقع در سواحل مجاور آذربایجان و قزاقستان نقش فعالی داشته است، بدون اینکه به فرایند رایزنی‌های چندجانبه

۱. برخی از اطلاعات مربوط به مفاد کنوانسیون صحیح نیست. برای مثال میزان عرض (milage) منطقه ملی (دریای سرزمینی) و همچنین منطقه انحصاری ماهیگیری تاکنون (آذر ماه ۱۳۸۴) مورد توافق قرار نگرفته است.

برای توافق نهایی راجع به رژیم حقوقی خللی وارد نماید. موضع رسمی روسیه در این زمینه عبارت است از: «روسیه آماده مذاکره با همه کشورهاست، اما در شرایطی که امکان اتفاق آراء راجع به همه مسایل خزر وجود ندارد، ما مذاکرات را در زمینه‌های خاص هدایت خواهیم کرد».^(۲۸) در مجموع سه موافقتنامه بین روسیه با قزاقستان (مه ۲۰۰۲) و آذربایجان (سپتامبر ۲۰۰۲) و بین آذربایجان و قزاقستان (نوامبر ۲۰۰۱) امضا شده است که مبنای حقوقی توسعه مشترک بلوکها و حوزه‌های نفتی واقع در مناطق دریایی این سه کشور ساحلی را شکل می‌دهد. منطق حاکم بر این موافقتنامه‌ها، تقسیم منابع معدنی واقع بر روی خط میانی اصلاح شده (پیشنهادی روسیه) به نسبت مساوی (۵۰-۵۰) است. با هدف توسعه فعالیتهای بهره‌برداری، در عین حال پیش‌بینی شده تا هزینه‌های کشوری که این حوزه‌های نفتی را کشف کرده است جبران شود.

این موافقتنامه‌ها با هدف تقسیم منابع نفت و گاز و نه آب بین طرفهای متعاقد امضا شده است. لذا این توافقات تأثیر حقوقی برای دیگر کشورهای ساحلی ندارد و قطعاً نمی‌توانند به عنوان یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر تلقی شوند. زیرا آنها با تقسیم منابع معدنی خاص واقع در بخش مرکزی و شمالی خزر اشاره دارند و مربوط به کل دریا نیست.

به علاوه در راستای توافق صورت گرفته مبنی بر اینکه رژیم حقوقی جدید باید صرفاً از طریق اتفاق آراء صورت گیرد، طرف روسی پیشنهاد نمود توافق راجع به رژیم حقوقی خزر بر مبنای اتفاق آراء، به صورت مرحله‌ای و با حل مسایل حساس‌تر مثل ماهیگیری، حفاظت از محیط زیست و تحدید حدود بستر به منظور بهره‌برداری از منابع زیر بستر، صورت گیرد. همچنین، روسیه پیشنهاد ایجاد دیوان داوری دریای خزر متشکل از حقوقدانان مستقل پنج کشور ساحلی به عنوان ساز و کار حل و فصل مناقشات طرفها در خصوص خزر را مطرح نمود.^(۲۹) واکنش چهار کشور ساحلی خزر راجع به پیشنهاد روسیه هنوز مشخص نیست.^۱

۱. در مذاکرات مربوط به تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی خزر به دلیل عدم موافقت دیگر کشورها، روسیه پیشنهاد خود را پس گرفته و این موضوع دیگر مطرح نیست.

دو کشور ساحلی دیگر - ایران و ترکمنستان، تاکنون موفق به توافق‌های دوجانبه مشابه نشده‌اند. این دو کشور در حال مذاکره در خصوص همکاری دوجانبه در حوزه‌های دریایی در آب‌های خود هستند. تا اواخر سال ۲۰۰۲ شرکتهای روسی ایترا، روس نفت و زاروبژ نفت، شرکت مشترکی به نام «زاریت» را برای توسعه حوزه‌های نفتی در سواحل ترکمنستان ایجاد کردند. روسیه پیشاپیش توسط کالیوژنی معاون وزیر امور خارجه خود با ایران در خصوص انجام هرگونه فعالیتی از سوی شرکتهای روسی در بخش ترکمنی دریای خزر و در مجاورت ایران رایزنی نموده و حتی پیشنهاد مشارکت ایران در زاریت را نیز مطرح کرده است.^(۳۰)

۱. توافق آذربایجان و قزاقستان؛ اولین موافقتنامه دوجانبه، بین آذربایجان و

قزاقستان در عالی‌ترین سطح - علی‌اف و نظربایف رؤسای جمهور دو کشور - در نوامبر ۲۰۰۱ امضا شد. این سند بیان می‌کند که دو کشور از پیشنهاد تقسیم دریای خزر بر اساس خط میانی و بر مبنای پیشنهاد روسیه برای تقسیم بستر و ابقای آب‌های خزر به عنوان دارایی مشترک، حمایت می‌کنند. لذا هم آذربایجان و هم قزاقستان از موضع روسیه به عنوان مبنای توافق دوجانبه خود حمایت کردند.^(۳۱) اصل «اشتراک آب - تقسیم بستر» و اصل خط میانی، مبنای حقوقی دو موافقتنامه دیگر را که بعدها به امضا رسید، شکل می‌دهند. واقعیت این است که ابتدا موافقتنامه آذربایجان - قزاقستان امضا شد ولی فرآیند تصویب آن دیرتر صورت گرفت. در جولای ۲۰۰۳ نظربایف رئیس جمهور قزاقستان با امضای قانونی، توافق قزاقستان با آذربایجان را رسماً تنفیذ نمود.^(۳۲) به محض تصویب قانون توسط مجلس، موافقتنامه منتشر خواهد شد. امضای این موافقتنامه با موضع تند ایران و ترکمنستان مواجه شد که این فرمول جدید را به عنوان اقدامی مغایر با فرآیند چندجانبه برای تعیین رژیم حقوقی جدید تلقی کردند. در ۴ دسامبر ۲۰۰۱ دبیر مطبوعاتی سفارت ایران در باکو گفت که توافق آذربایجان - قزاقستان به عنوان مانعی در تلاش‌های در حال انجام برای مسئله رژیم حقوقی دریای خزر تلقی می‌گردد و ناقض اصل اتفاق آراء کشورهای ساحلی است و تأکید کرد که اعمال اصل خط میانی منجر به تقسیم ناعادلانه منابع نفت و گاز بستر دریای خزر خواهد شد.^(۳۳)

۲. پروتکل روسیه و قزاقستان: ذخایر نفت موجود در شمال خزر، ۱/۲-۱ میلیارد تن برآورد می‌شود. توافق روسیه - قزاقستان در نتیجه مشورت‌های دوجانبه در سطوح مختلف امضا شده است. متعاقب بیانیه روسیه - قزاقستان در آوریل ۱۹۹۶ و بیانیه قزاقستان ایران در مه ۱۹۹۶ (که در بالا ذکر شد)، روسیه و قزاقستان در ۶ جولای ۱۹۹۸ موافقتنامه‌ای را راجع به تحدید حدود بستر در شمال دریای خزر، امضا کردند. برای اولین بار چارچوب حقوقی حل موضوع توسعه منابع معدنی، در سطح دوجانبه، آغاز شد. همکاری قزاقستان - روسیه در بالاترین سطح ادامه پیدا کرد و دور رئیس جمهور بیانیه‌ای را در خصوص خزر در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۰ امضا کردند که در آن عنوان می‌شود «روسیه و قزاقستان معتقدند تصمیم راجع به رژیم حقوقی جدید دریای خزر باید براساس اتفاق آرا و پیشنهاد تقسیم بستر دریا بین کشورهای مجاور و مقابل با استفاده از خط میانی اصلاح شده بر اساس توافق طرف‌ها برای اعمال حقوق حاکمه آنها در توسعه منابع زیر بستر و در عین حال نگه داشتن پهنه آب برای استفاده مشترک در تأمین آزادی کشتیرانی، ماهیگیری بر اساس موازین توافق شده و حفاظت از محیط زیست باشد».^(۳۴) در این بیانیه ما شاهد تأثیرپذیری دو طرف از اصول بنیادین چهارگانه موضع روسیه هستیم که در بالا آنها را توضیح دادیم. بر مبنای همین اصول دو سال بعد پروتکل اجرایی توافقنامه روسیه و قزاقستان راجع به تحدید حدود بستر در بخش شمالی خزر به منظور اعمال حقوق حاکمه در بهره‌برداری از منابع معدنی در سطح رؤسای جمهور در ۱۳ مه ۲۰۰۲ در مسکو امضا شد. پروتکل در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۲ در پارلمان قزاقستان تصویب شد. در روسیه نیز، پوتین رئیس جمهور روسیه قانون فدرال راجع به تصویب موافقتنامه روسیه و قزاقستان در خصوص استفاده از ذخایر بخش شمالی دریای خزر و پروتکل مربوطه را امضا کرد. این موافقتنامه در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ در مجلس دومای کشوری و در ۲۶ مارس ۲۰۰۳ در مجلس شورای فدراسیون روسیه به تصویب رسید.

این پروتکل در راستای موافقتنامه تحدید حدود بستر در شمال خزر است که در جولای ۱۹۹۸ به امضا رسید. در واقع آن را باید به عنوان اجرای این موافقتنامه تلقی کرد. در مقدمه عنوان می‌شود که روسیه و قزاقستان بر اساس موافقتنامه ۱۹۹۸ و با در نظر گرفتن منافع متقابل

خود در بخش شمالی خزر و با هدف ایجاد شرایط مطلوب بهره‌برداری مشترک از سه ساختار نفتی کورمانگازی، سنترالنایا و خوالینسکایا در شمال خزر، در خصوص این پروتکل توافق کرده‌اند. بنابراین روشن می‌شود که از همان ابتدا پروتکل مسایل حقوقی و حقوق بهره‌برداری مشترک بین روسیه و قزاقستان در سه بلوک مذکور را تنظیم می‌کند و نه چیزی فراتر از آن. نه تنها مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر نیست، بلکه دیگر جوانب همکاری دوجانبه در دریا را نیز دربر نمی‌گیرد. به علاوه، ماده ۱ پروتکل عنوان می‌کند که دو طرف مرزهای دریایی^۱ بین دو کشور را بر اساس اصل خط میانی اصلاح شده با هدف اعمال حقوق حاکمه برای استفاده از منابع معدنی، تعیین می‌کنند. لیست کامل و دقیق مختصات جغرافیایی خط مرزی ترسیمی در پروتکل ذکر شده است. تاجایی که پیش‌بینی می‌شود خط میانی اصلاح شده و مختصات مذکور در پروتکل سه جانبه‌ای که بین روسیه، قزاقستان و آذربایجان امضا خواهد شد، اعمال می‌گردد. (۳۵)

بقیه موارد، به موضوع مالکیت و حقوق هر یک از طرفها در خصوص هر بلوک بطور جداگانه پرداخته است. در نتیجه کورمانگازی تحت شرایط موافقتنامه مشارکت در تولید قزاقستان توسط شرکت کازمونای گاز (شرکت دولتی نفت و گاز قزاقستان) با حق ۵۰٪ سهم در بلوک، توسعه خواهد یافت. روسیه نیز بقیه سهام را خواهد داشت به این صورت که ۲۵ درصد را به شرکت دولتی «روس نفت» به عنوان مجری اختصاص می‌دهد و ۲۵ درصد بقیه را نیز می‌تواند به دیگر شرکتهای روسی بفروشد. سنترالنایا بر مبنای ۵۰-۵۰ بین دو طرف توسعه خواهد یافت، اما بدون موافقتنامه مشارکت در تولید. ضمن اینکه خوالینسکایا تحت قوانین روسیه توسعه خواهد یافت که روسیه ۵۰ درصد سهم را خواهد داشت و بقیه به طرف قزاقی اختصاص می‌یابد. خوالینسکایا در حال حاضر تنها ساختار نفتی در شمال خزر است که ذخایر آن طبق استانداردهای جهانی توسط شرکت Miller & Lents محاسبه شده است. ذخایر درجای C1+C2 بالغ بر ۱۲۲ میلیارد متر مکعب گاز و ۹/۶ میلیون تن میعانات نفتی است. ذخایر C3 بالغ

۱. منظور تعیین محدوده‌های بهره‌برداری از منابع بستر می‌باشد و نه ایجاد مرز بر روی آب.

بر ۲۰۷ میلیون بشکه نفت است. لوک اویل قبل از امضای پروتکل، ۳۰۰ میلیون دلار برای مطالعات اکتشافی هزینه کرده است. این شرکت همچنین مجوز توسعه این ساختار را دارد که سهام آن اکنون بر اساس شرایط این پروتکل بین روسیه و قزاقستان، تقسیم خواهد شد. لوک اویل انتظار دارد هزینه‌های انجام شده برای توسعه خوالینسکایا، جبران شود. به هر حال شرایط هنوز دقیق مشخص نشده است.^(۳۶) شرکتهای لوک اویل و گاز موناوی گاز موافقتنامه‌ای را بر اساس اصل توسعه مشترک ساختارهای نفت و گاز خوالینسکایا در مسکو در ۲۱ آوریل ۲۰۰۳ امضا کردند. هر دو شرکت سهم برابر خواهند داشت و حقوق و مسئولیت‌هایشان نیز به همین ترتیب خواهد بود. شرکت Lukoil Ojsc از شرکتهای تابعه لوک اویل به عنوان مجری پروژه معرفی خواهد شد. همچنین از نمایندگان گاز موناوی گاز نیز برای همکاری با مجری دعوت خواهد شد. امضای این موافقتنامه همچنین مبنایی را برای مذاکرات مربوط به موافقتنامه فعالیت‌های مشترک بیشتر بین دو شرکت ایجاد می‌نماید. به علاوه دو طرف توافق کردند برای گنجاندن حوزه خوالینسکایا در لیست حوزه‌هایی که می‌تواند تحت شرایط PSA توسعه یابد، اقداماتی را صورت دهند. به علاوه گاز موناوی گاز و لوک اویل یادداشت تفاهم مشترکی را در زمینه همکاری برای اکتشاف و تولید منابع هیدروکربن در بخش‌های روسی و قزاقی دریای خزر و همچنین موافقتنامه حفظ اسرار راجع به همکاری‌های خود را امضا کردند.^(۳۷) براساس برنامه تا پایان سال ۲۰۰۳ مطالعات امکان‌سنجی PSA به اتمام خواهد رسید.^(۳۸)

ساختار سنترالنایا در ۱۵۰ کیلومتری شرق بندر ماخاچ قلعه روسیه واقع است که ذخایر آن بالغ بر ۳-۴ میلیارد بشکه نفت برآورد می‌شود. در ۵ سپتامبر ۲۰۰۲ گاز پروم و لوک اویل برای توسعه مشترک سنترالنایا و مشارکت برابر در این طرح توافق کردند. لوک اویل با تجربه‌ترین شرکت روسی در دریای خزر است که به همراه گاز پروم، از طرف روسیه مجری توسعه این دو ساختار خواهند بود. این دو شرکت در ۱ جولای ۲۰۰۳ قصد ایجاد شرکت مشترک را اعلام کردند. شرکت جدید که «سنتراکاسپ نفت گاز» نامیده شد از طرف روسیه مجری سنترالنایا خواهد بود. لوک اویل و گاز پروم در شرکت جدید ۵۰ درصد سهم خواهند داشت و برای توسعه

این حوزه به صورت مشترک فعالیت خواهند نمود.^(۳۹) در کورمانگازی که ذخایر آن بالغ بر ۱/۷۵ میلیارد بشکه برآورد شده، کازمونای گاز ۵۰ درصد سهم خواهد داشت و شرکتهای روسنفت و گاز پروم از طرف روسیه برای اخذ سهم ۲۵ درصدی به عنوان مجری روسی در نظر گرفته شده‌اند. ۲۵ درصد سهم باقی مانده از قبل با شرکت روسی زاروبژ نفت تحت مذاکره بوده، مضافاً اینکه شرکت فرانسوی «توتال فینالاف» نیز برای گرفتن سهم ابراز تمایل کرده است. با این وجود از هر دو شرکت برای پیوستن به طرح توسعه ساختاری که توسط مجری‌های قزاقستانی و روسی، اقتصادی توصیف شده است، دعوت به عمل خواهد آمد. در اوایل دسامبر ۲۰۰۲، روس نفت و کازمونای گاز، توافقنامه‌ای را برای تشکیل کنسرسیوم توسعه کورمانگازی در قالب PSA امضا کردند اما اگر ظرف یک سال نتوانند راجع به PSA توافق نمایند، روسیه و قزاقستان با توجه به شرایط مندرج در این پروتکل حق خواهند داشت نسبت به معرفی شرکتهای دیگر برای جایگزینی به عنوان مجری در کورمانگازی اقدام نمایند. کازمونای گاز قبلاً تردیدهایی خود را برای توافق راجع به PSA ابراز داشته است، با این فرض که قوانین کنونی مالیاتی قزاقستانی برای حرکت سریع و توسعه ساختار مناسبتر است ولی PSA وقت بیشتری را برای مذاکره میطلبد.^(۴۰) با این وجود حسن اف مدیر کازمونای تنیز (از شرکتهای تابعه کازمونای گاز) در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۳ عنوان کرد که قزاقستان و روسیه در صدد هستند تا راجع به کورمانگازی تا پایان سال ۲۰۰۴ یک PSA امضا کنند. ارزیابی‌های مهندسی زمین‌شناسی روبه‌تمام است و کارهای مربوط به مطالعات فنی حفر دو چاه اکتشافی نیز پایان یافته است.^(۴۱)

۳. پروتکل آذربایجان و روسیه: ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و حیدر

علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۲ موافقتنامه دوجانبه تعیین مرزهای دریایی^۱ بین بخشهای مربوطه خود در خزر را امضا کردند. ابتدا انتظار می‌رفت این موافقتنامه در خلال سفر رسمی رئیس‌جمهور آذربایجان به سن پترزبورگ در ۹ ژوئن ۲۰۰۲ امضا شود اما بر اساس اظهارات دو کشور به دلیل برخی مسایل فنی به تعویق افتاد. به نظر می‌رسد دلیل این امر

۱. منظور تعیین محدوده‌های بهره‌برداری از منابع بستر می‌باشد و نه ایجاد مرز بر روی آب.

شیوه (متدولوژی) ترسیم خط میانی بین روسیه و آذربایجان در دریای خزر بود. روسیه و آذربایجان بیانیه باکو را به هنگام سفر پوتین به باکو در ۹ ژانویه ۲۰۰۱ امضا کرده بودند که بر اساس آن طرفها راجع به یک رشته اصول مشترک به شرح زیر توافق کردند:

الف) رژیم حقوقی جدید دریای خزر باید بر اساس اتفاق آرای ۵ کشور ساحلی و به صورت مرحله‌ای و در چارچوب گروه ویژه کاری دریای خزر مورد توافق قرار گیرد.

ب) روش خط میانی اصلاح شده پیشنهادی روسیه برای تعیین محدوده‌های بهره‌برداری از دریا و اختصاص حقوق انحصاری در بهره‌برداری از منابع هیدروکربن کشورهای ساحلی باید مورد استفاده قرار گیرد.

ج) توجه خاص باید به وضعیت محیط زیست روبه زوال دریای خزر صورت گیرد.

د) حل و فصل رژیم حقوقی دریای خزر موجب تحکیم امنیت و ثبات در منطقه خزر خواهد شد. (۴۲)

مضمون پروتکل آذربایجان-روسیه تا حد زیادی در بیانیه باکو در سال ۲۰۰۱ مشخص شده است و نحوه اجرای آن می‌تواند شبیه پروتکل قزاقستان-روسیه باشد. این پروتکل از نظر حقوقی همچنین در بردارنده اصول تقسیم بستر-اشتراک آب، خط میانی اصلاح شده و اشتراک منافع طرفهای متعاقد در بخشهای خاص دریای خزر است. هسته اصلی موافقتنامه، تعریف مرز دریایی بین دو کشور و حقوق بهره‌برداری مشترک از منابع معدنی واقع بر روی خط میانی بین دو کشور است. این پروتکل همانند پروتکل قبلی، نه به بحث رژیم حقوقی اشاره دارد و نه به موضوع دیگری که با آن مرتبط باشد. در این موافقتنامه، ترسیم خط میانی اصلاح شده برای تعیین آبهای روسی و آذری در دریای خزر تعریف می‌شود و نقاط جغرافیایی مورد استفاده طرفها برای ترسیم این خط که در امتداد طول سواحل هر کشور ترسیم می‌شود و به خط میانی دقیقاً در وسط دریا متصل می‌شود، مورد اشاره قرار می‌گیرد. در نتیجه ساختار بزرگ یا لاما (D-۲۲۲) که دقیقاً در روی خط میانی بین روسیه و آذربایجان واقع شده است، می‌تواند بر اساس موازین بین‌المللی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

امضای پروتکل آذربایجان - روسیه با واکنش تند طرف ایرانی مواجه شد که توافق را بی اعتبار اعلام کرد، زیرا بدون توافق آرای ۵ کشور ساحلی حاصل شده بود. (۴۳)

این دو کشور حوزه نفتی مورد اختلاف ندارند به همین دلیل مذاکرات برای نیل به توافق در مقایسه با پروتکل قزاقستان - روسیه که دو طرف مجبور به مشورت‌های طولانی راجع به حقوق مربوط به سه بلوک کورمانگازی، سنترالنایا و خوالینساکایا بودند، راحت تر بود. در مقابل علی رغم فقدان موافقتنامه دوجانبه، لوک اویل و شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار) موافقتنامه توسعه مشترک ساختار یالاما (D-۲۲۲) در قالب PSA را در سه ژوئیه ۱۹۹۷ امضا کرده بودند و زمینه برای حرکت به جلو در بهره‌برداری مشترک فراهم بود. بر این اساس، سهم لوک اویل ۶۰ درصد می‌باشد و ۴۰ درصد باقی مانده متعلق به سوکار است. انتظار می‌رود D-۲۲۲ یکی از بزرگترین ساختارهای بلوک یالاما باشد. به همین دلیل، لوک اویل متعاقب امضای پروتکل دوجانبه تصمیم گرفت که سهم خود را از ۶۰ به ۸۰ درصد افزایش دهد و درصدد حفر نخستین چاه اکتشافی در نیمه دوم ۲۰۰۴ است.^۱ پس از کناره‌گیری لوک اویل از کنسرسیوم AIOC برای توسعه بلوک آذری - چراغ - گونشلی در دریای خزر، یالاما تنها حوزه‌ای است که لوک اویل در بخش بالا دستی نفت جمهوری آذربایجان در آن حضور دارد. البته با یک سهم بالای ۸۰ درصدی. لوک اویل همچنین ۱۰ درصد از سهام کنسرسیوم شاه‌دنیز را نیز دارد. با امضای این موافقتنامه لوک اویل واقعاً حضور خود را در آذربایجان توسعه داده و توجه خود را به این کشور به عنوان یکی از زمینه‌های مهم فعالیت خود ادامه می‌دهد. واحد علی اکبراف رئیس لوک اویل پس از امضای این موافقتنامه به هنگام سفر به باکو در ۴ مارس ۲۰۰۴ این مطالب را عنوان کرد. بر اساس اظهارات ناطق علی‌اف رئیس سوکار مجموعه اسناد امضا شده با منافع سوکار مطابقت دارد و موجب تسریع بیشتر کارهای اکتشافی در بلوکهای قسمت شمالی بخش آذری دریای خزر خواهد شد. (۴۴)

۴. موافقتنامه سه‌جانبه: به نظر می‌رسد قزاقستان طرفدار این موضع است که

۱. نتایج این حفاری منفی بوده و کنسرسیوم در آستانه انحلال قرار دارد. (م)

توافقه‌های دوجانبه می‌تواند نسخه کارآمدی برای حل همه جانبه مسایل خزر فراهم نماید. (۴۵)

نظربایف رئیس جمهور قزاقستان از طرح تقسیم «خط میانی» مورد حمایت روسیه به عنوان «راه حل کاملاً عادلانه» نام برد و پیشنهاد توافق سه جانبه در شمال خزر را مطرح نمود. وادیم زورکوف معاون وزیر خارجه قزاقستان در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۲ در آلمانی اعلام کرد که پیشنهاد امضای موافقتنامه سه جانبه راجع به خزر بین قزاقستان، روسیه و آذربایجان ارائه خواهد شد. زورکوف گفت: دیپلماتهای قزاقی پیش‌نویس موافقتنامه را آماده کرده و برای بررسی بیشتر به مسکو و باکو ارسال کرده‌اند. (۴۶)

متعاقب مذاکرات دوجانبه و سه جانبه، موافقتنامه سه جانبه راجع به قلمرو دریایی روسیه، قزاقستان و آذربایجان در ۱۴ مه ۲۰۰۳ به هنگام برگزاری اجلاس ویژه گروه کاری معاونین وزرای خارجه کشورهای ساحلی خزر در آلمانی، امضا شد. متن موافقتنامه هنوز منتشر نشده است، زیرا اسناد پس از تصویب در پارلمانها منتشر خواهند شد. بر اساس منابع خبری، این موافقتنامه، نقطه تلاقی مرزهای بستر دریا را مشخص می‌کند، در عین حال آبهای خزر را به عنوان منطقه مشترک در نظر می‌گیرد، ایران و ترکمنستان که معاونین وزرای خارجه آنها در اجلاس آلمانی حضور داشتند تاکنون از موافقت با تقسیم دریای خزر بر اساس اصل خط میانی و یا ورود به توافقه‌های دوجانبه خودداری کرده‌اند. بر اساس این موافقتنامه، بخشهای مربوطه دریا به ترتیب برای روسیه ۱۹، آذربایجان ۱۸ و قزاقستان ۲۷ درصد خواهد بود.^۱ بقیه ۳۶ درصد از بستر دریا برای ایران و ترکمنستان باقی می‌ماند. باید دید که آیا این رویه به بخش جنوبی خزر نیز تسری پیدا خواهد کرد یا نه؟ (۴۷)

رهیافت سیاسی جدید؟

در نتیجه اجلاس سران در عشق‌آباد که توافقی در آن حاصل نشد، روسیه، قزاقستان و

۱. ذکر درصد برای قزاقستان و جمهوری آذربایجان با توجه به عدم توافق این کشورها با ترکمنستان و ایران نمی‌تواند صحیح باشد. (م)

آذربایجان بدون توجه به مسئله خودداری از بهره‌برداری از منابع نفتی قبل از توافق همه جانبه، پروتکل سه جانبه‌ای را بر اساس خط میانی پیشنهادی روسیه، امضا کردند. ایران و ترکمنستان نیز از قبل وارد مذاکرات دوجانبه شده بودند. در ۲۸ آوریل ۲۰۰۳ خلف خلف اف معاون وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در باکو اعلام کرد که تهران و باکو در آستانه امضای موافقتنامه دوجانبه‌ای راجع به تعیین بخشهای مربوطه خود در جنوب خزر هستند. وی همچنین تأکید کرد که این موافقتنامه مربوط به تقسیم بستر خزر خواهد بود و نه آب. با این وجود ایران همچنان به مخالفت با تقسیم خزر بر اساس طول سواحل ادامه می‌دهد و بر تقسیم خزر به بخشها اصرار دارد. در صورتی که ایران موافقتنامه‌های دوجانبه با آذربایجان و ترکمنستان امضا کنند، این امر یک تحول عظیم در روند حل و فصل مسئله رژیم حقوقی ایجاد خواهد کرد. زیرا این امر به منزله تغییر مواضع ایران از تقسیم خزر به بخشهای ملی به اصل خط میانی است.

مسئله تأثیر بالقوه منفی یا مثبت پروتکل‌های دوجانبه بر روند تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر، مبهم است. از دیدگاه برخی از تحلیلگران این توافقها، جایگزینی برای توافق همه جانبه ۵ کشور ساحلی خزر تلقی می‌شوند. با این وجود این امر نمی‌تواند مد نظر باشد. زیرا پروتکل‌های دوجانبه به مالکیت و حقوق بهره‌برداری از حوزه‌ها و بلوکهای خاص پرداخته است. در صورتی که کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر مسایل مختلفی را در بر خواهد گرفت. از جمله علامت‌گذاری حقوقی در خزر، مقررات حفاظت محیط زیست و حفاظت از منابع زنده. با وجود این، در صورت امضای موافقتنامه جدید در بخش جنوبی خزر بین آذربایجان، ایران و ترکمنستان در آن صورت ما یک وضعیت جدید خواهیم داشت که همه ۵ کشور ساحلی بین خود توافقهای دوجانبه خواهند داشت. این امر موجب ایجاد رویه مهمی خواهد شد و تسهیل و حتی تسریع در توافق چندجانبه را محتمل می‌کند. نمایندگان همه کشورها بجز ترکمنستان بیان کرده‌اند که این توافقها می‌توانند به عنوان یک نوع ابزار اعتمادسازی در خزر در نظر گرفته شوند. به ویژه توافقنامه آذربایجان - قزاقستان - روسیه به عنوان مبنای خوب و محکم به منظور ایجاد

اصول مشترک برای توافق همه‌جانبه بین ۵ کشور ساحلی خزر تلقی می‌گردد. به عنوان نتیجه، پیشرفت حاصله بین سه کشور می‌تواند به دو کشور دیگر نیز تسری یابد.

اهمیت تقسیم نهایی دریای خزر می‌تواند هم در زمینه اقتصادی و هم سیاسی مورد ارزیابی قرار گیرد. بدون شک برای همه کشورهای ساحلی پیامدهای اقتصادی اساسی دارد. با این وجود، توانایی کسب حداکثر سهم ممکن از بستر بطور فزاینده تبدیل به یک پرستیژ نیز شده است. به ویژه در مورد ایران که حوزه‌های دریایی آن در مقایسه با بخش شمالی، کمتر است. (۴۸) از آنجایی که این مناقشه ابتدا پس از فروپاشی شوروی سابق ظهور پیدا کرد، اغلب عنوان می‌شود که فقدان توافق راجع به وضعیت حقوقی دریای خزر و نبود مرزهای شناخته شده دریایی مانعی برای سرمایه‌گذاری و توسعه ذخایر هیدروکربن دریای خزر تلقی می‌شود. این استدلال ابتدا از طرف روسیه مطرح شد و سپس قزاقستان و آذربایجان مورد حمایت قرار گرفت. در طول دهه گذشته، آذربایجان ۲۲ قرارداد مشارکت تولید (PSA) با شرکت‌های خارجی منعقد کرده که اغلب آنها مربوط به استخراج نفت از حوزه‌های دریایی است. تاکنون عدم حل مسئله رژیم حقوقی دریای خزر فقط بر سه پروژه تأثیر مستقیم داشته که از بین آنها دو طرح زیر متوقف شده است:

۱. در سال ۱۹۹۴، شرکت عملیات بین‌المللی آذربایجان (AIOC) قراردادی موسوم به «قرارداد قرن» را برای توسعه بلوک آذری - چراغ - گونشلی که در نزدیکی مرکز دریای خزر واقع شده است امضا نمود. ترکمنستان ادعا نمود که حوزه آذری و بخشی از حوزه چراغ در بخش آن کشور واقع شده و باکو را به اقدام نظامی تهدید کرد. با این وجود هیچ اتفاقی نیفتاد. در واقع AIOC در حال حاضر تنها کنسرسیوم بین‌المللی تولیدکننده نفت (در مقیاس اقتصادی) در بخش دریایی آذربایجان است و این بلوک مهمترین منبع برای پر کردن خط لوله در حال ساخت باکو - تفلیس - جیحان محسوب می‌شود.

۲. حوزه سردار / کپز، منبع دیگر نارضایتی ترکمنستان و آذربایجان است. باکو با دو شرکت روسی برای توسعه این حوزه در سال ۱۹۹۷ قراردادی را منعقد نمود. ترکمنستان شکایت تندی به روسیه کرد و مدعی مالکیت بر این حوزه شد. در نتیجه، قرارداد فسخ شد. در

حال حاضر در این حوزه به دلیل مناقشه موجود بین این دو کشور ساحلی فعالیتی صورت نمی‌گیرد.

۳. مورد سوم به بلوک البرز / الو - آراز - شرق مربوط می‌شود که ایران مدعی است که در آبهای ساحلی آن کشور قرار دارد.^۱ متعاقب حادثه جولای سال ۲۰۰۱، bp کارهای خود را در این حوزه متوقف کرد که تاکنون متوقف باقی مانده است. (۴۹)

طبق گفته‌های ویکتور کالیوژنی معاون وزیر خارجه روسیه در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲ در آلماتی پیشنهاد موافقتنامه‌های دوجانبه به عنوان یک الگوی جدید برای توسعه حوزه‌های نفتی در دریای خزر به موازات رایزنی‌های چند جانبه راجع به رژیم حقوقی که به اثبات رسیده «بسیار کند» است ابتدا ارائه شد و سپس از سوی روسیه، آذربایجان و قزاقستان مورد «استفاده» قرار گرفت. روسیه از امضای موافقتنامه‌های دوجانبه در بخش جنوبی نیز حمایت می‌کند. موضع محکم روسیه این است که ثروت بستر دریای خزر فقط متعلق به کشورهای ساحلی است. به همین دلیل کشورهای ساحلی باید برای حل تمام مسایل باقیمانده که می‌توانند مانع توسعه منابع انرژی و به تبع آن رشد اقتصادی شوند، اقدامات مقتضی را انجام دهند.

۱. چهار ساختار نفتی مورد اختلاف بین ایران و جمهوری آذربایجان وجود دارد که عبارتند از: البرز (الو - آراز - شرق)، فومن (کورداشی)، کاووس - کیا (لنکران دنیز - تالش دنیز) و فیروز - انزلی - آستانه (لریک - دالغا - جنوب - ساولان). نتایج حفاری ساختارهای دوم و سوم منفی بوده و کنسرسیوم منعقد بین جمهوری آذربایجان با شرکتهای نفتی منحل شده، در خصوص بلوک البرز اخبار منتشره بر توافق اولیه دو کشور برای بهره‌برداری حکایت دارد. قرارداد منعقد بین جمهوری آذربایجان با برخی شرکتهای آمریکایی در رابطه با ساختار چهارم نیز به دلیل ادعای مالکیت ایران معلق مانده است.

۲. جمهوری آذربایجان قراردادی را با شرکتهای انگلیسی برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از بلوک البرز در سال ۱۳۷۷ منعقد نمود که مورد اعتراض ایران قرار گرفت. علی‌رغم این امر شرکتهای طرف قرارداد در سال ۱۳۸۰ درصد فعالیت در منطقه مذکور برآمدند که مجدداً موجب اعتراض ایران شد و درخواست توقف فعالیت در منطقه مذکور تا حل و فصل اختلافات دو کشور را مطرح کرد. با توجه به عدم توجه جمهوری آذربایجان و شرکتهای طرف قرارداد به اعتراض ایران، شناورهای ایرانی در اول مرداد ۱۳۸۰ فعالیتهای اکتشافی شناور تحت اجاره شرکت bp را متوقف کرده و خواستار خروج آن از منطقه مذکور شدند.

نتیجه

به دلیل افزایش توجه بین‌المللی به منطقه متعاقب ۱۱ سپتامبر و حضور شرکتهای عظیم بین‌المللی سرمایه‌گذار در بخش نفت و گاز، امنیت در دریای خزر اهمیت زیادی پیدا کرده است. نظامی‌گری در دریای خزر روندی روبه رشد دارد و از دیگر موضوعات مورد بحث میان کشورهای ساحلی است. به ویژه پس از اعلام قصد قزاقستان برای تشکیل ناوگان دریایی جدید با کمک روسیه، ترکیه و آمریکا، روسیه ناوگان چهارم دریای خزر مستقر در آستراخان را همچنان حفظ کرده است و در ژوئن ۲۰۰۲ یک رشته تمرینات نظامی با مشارکت و نظارت آذربایجان و قزاقستان در دریای خزر برگزار نمود. این مسئله برای ایران نیز اهمیت زیادی دارد. ایران از حضور نظامی فزاینده روسیه در منطقه خزر نگران است و به دفعات خواستار غیرنظامی کردن دریای خزر شده است. با این وجود ایران در سال ۲۰۰۱ در استفاده از توان نظامی برای تهدید کشتی عملیاتی bp که از سوی سوکار به کار توسعه در ساختار البرز الو - آراز - شرق مشغول بود، تردید نکرد. در نتیجه، (غیر) نظامی کردن خزر می‌تواند به موازات روند تنظیم وضعیت حقوقی و تخصیص حقوق بهره‌برداری ۵ کشور ساحلی از حوزه‌های نفتی دریا، پیگیری شود.

به نظر می‌رسد دلیل واقعی روسیه برای کمک به توسعه سریعتر منابع هیدروکربن دریای خزر، علی‌رغم اینکه روسیه مالک بخش کوچکی از آن است - اکثر منابع در آذربایجان و قزاقستان واقع شده است - با عامل خارجی از جمله آمریکا و شرکتهای انگلیسی - آمریکایی مرتبط است که حضور استراتژیک خود در منطقه و متعاقب آن نفوذ سیاسی خود را بر کشورهای تازه استقلال یافته که اقتصاد آنها تا حد زیادی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش نفت و گاز آنها مرتبط است افزایش خواهند داد.

حضور سیاسی بیشتر و احتمالاً نظامی آمریکا در دریای خزر یک «کابوس» برای روسیه محسوب می‌شود. روسیه این منطقه را به عنوان بخشی از به اصطلاح «خارج نزدیک» و یکی از اولویتهای سیاست خارجی خود تلقی می‌کند. قرارداد عظیم ۲۵ ساله فروش گاز از ترکمنستان به روسیه که اخیراً بین دو کشور منعقد شد و انحصار ترانزیت گاز ترکمنستان از شبکه خطوط لوله

روسیه بیانگر دفاع روسیه از منافع انرژی خود در آینده و پیگیری افزایش نفوذ سیاسی خود از طریق موافقتنامه‌های ترجیحی انرژی برای شرکتهای روسی است. قراردادهای بلندمدت مشابه با قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و گرجستان ثابت می‌کند که علی‌رغم موافقت روسیه با استقرار پایگاههای نظامی آمریکا در منطقه، این کشور همچنان بدنبال منافع خود در جنوب قفقاز و آسیای مرکزی است.

در واقع، روسیه بدنبال تبدیل شدن به صادرکننده اصلی انرژی است و بدنبال ترانزیت بیشتر نفت از قلمرو خود و کسب حداکثر درآمد ممکن است. مسئولین حکومتی و مقامات نفتی روسیه به کرات ادعا کرده‌اند که خط لوله باکو-تئلیس-جیحان احتمالاً شکست خواهد خورد. اما اکنون که ساخت آن آغاز شده، روسیه ممکن است بدنبال سهم بیشتر در توسعه و صادرات نفت از طریق CPC باشد که از قلمروش عبور می‌کند و به بندر نوروسیسک منتهی می‌شود. رئیس جمهور پوتین قول داد در مقابل ترانزیت بیشتر نفت از طریق CPC گاز بیشتری به آذربایجان ارسال نماید.

مسکو به توسعه خطوط لوله موجود از جمله باکو-نوروسیسک در دریای سیاه و مخالفت با BTC به دلیل ترس از تضعیف CPC، ادامه خواهد داد. گرچه واقعیت این است که CPC نفت قزاقستان را منتقل می‌کند در حالی که BTC با نفت آذربایجان پُر خواهد شد. در واقع، در آینده رقابت بین دو خط لوله و سپس بین روسیه و آمریکا خواهد بود.^(۵۰) زیرا آنها هر دو بدنبال دریافت نفت از حوزه عظیم کاشاقان هستند که اکنون در مراحل اولیه توسعه خود قرار دارد.

یادداشت‌ها

1. "Milestones in the Russian Gas Industry" from the Archives of Petroleum Economist, Special Edition.
2. J. Roberts "Caspian oil & Gas: how far have we come and where are we going?" in S.Cummings(ed), Oil, Transition and Security in Central Asia, London: Routledge/Curzon, 2003.
3. Caspian News Agency, 1 July 2002.
4. T. Adams, "Caspian oil & Gas development and black Sea region" in the book Dimension, brussle's: CEPS - ICBSS, 2002. Europe's Black Sea
5. S. Vinogradov, "The Legal status of the Caspian Sea and its hydrocarbon resources", in Boundaries and Energy: problems and prospects, 1997.
6. see Alma Ata Declaration, 21 December 1991, "... The States participants in the Commonwealth gurantee in acordanc with their constitutional procedures the discharge of the international obligations deriving from treaties and agreements concluded by the former Union Socialist republics",in International Legal materials, No.149, 1992.
7. See Joint Declaration on the Use of the Caspian Sea, Alma Ata, 27 April 1996 and Joint Declaration on the Caspian Sea Issues, Tehran, 11 May 1996.
8. S. Vinogradov, "The Legal Status of the Caspian Sea: a card in the new Graet Game?", Dundee: CEPMLP. 24 March 2001.
9. As the Foreign Policy Concept of the Russian Federation had declared. The Foreign Policy Concept, Was approved by the president of the Russian Federation V. Putin in June 28, 2000.
10. An Agreement was signed and ratified between Russia, India and Iran on the creation of the North - South Transport Corridor, the biggest ever trade corridor linking the railway systems of Russia, Iran and India with main ports of Astrakhan and

Makhachkala in the Caspian Sea and the Volga navigation system. It is bound to be the major trade link between Europe and India.

11. V. Kaluzhy, "Caspian: Legal Problems", Presentation at the International Conference on the issues of Settlement of the status of the Caspian Sea, 26 February 2002, Moscow.

12. The allocation will go as the follows: Kazakhstan around 29, Russia around 19, Azerbaijan around 21, Turkmenistan around 18 and Iran around 13-14 percent of the Sea bed.

13. See Mehdi Safari, Official Statement at the 8th Working Group Session on the Caspian Sea, Baku 26 February 2003.

14. "Iran renews opposition to bilateral deals on Caspian", Iran News 26, September 2002.

15. Platts Energy Group, Interview with the chairman of Turkmenistan's State Caspian Sea Enterprise and Presidential Caspian Envoy of Turkmenistan, K. Babayev, 22 May 2002.

16. Press Release, Caspian News Agency (CNA), 28 March 2003.

17. M. Lelyveld "Caspian: Turkmenistan, Iran appear to agree on approach for dividing sea", Radio Free Europe, 7 April 2003.

18. M. Safari, statement at the official Iranian News Agency IRNA, 7 March 2003.

19. R. Culter, "Renewed conflicts in the Caspian", The Times of Central Asia, September, 2001.

20. The Times of Central Asia, "Caspian Summit brings no resolution", 17 May 2002.

21. Text of the Speech of I. Ivanov, Minister of Foreign Affairs of the Russian Federation at the 10th Working Group Session, Moscow, 10-11 May 2003.

22. FSU Oil & Gas Monitor, News Base, 1 May 2002.

23. Press release, Text of the Deputy Foreign Minister of Azerbaijan Republic K.

- Khalafov, Press conference on the results of the 8th session of the Working Group Session, Baku, 27 February 2003.
24. Press release, text of the Deputy Foreign Minister of the Russia, Kaluzhny, Press conference on the results of the 8th session of the Working Group Session, Baku, 27 February 2003.
25. Text of the speech of M.Safari, Deputy Foreign Minister of Islamic Republic of Iran.
26. FSU Oil & Gas Monitor, News Base, 5 March 2003.
27. FS Oil & Gas Monitor, News Base, 12 November 2003.
28. Statement by the Deputy Foreign Minister of the Russia V.Kaluzhny, 16 Sep, 2002, Ministry of Foreign Affairs of the RF, Moscow.
29. See V Kaluzhny, Statement at the Round Table meeting on the Caspian Oil and Gas Scenarios, Florence, 14 April 2003.
30. FSU Oil & Gas Monitor, News Base, 11 December 2002.
31. "Kazakhstan approves delineation of the Caspian Sea border with Aerbaijan", AFP, 9 July 2003.
33. Press release, Embassy of the Islamic Republic of Iran in Baku, 4 December 2001.
34. Declaration on Cooperation in the Caspian Sea signed by President V. Putin of the Russian Federation and President Nazarbayev of the Kazakhstan Republic, Astana, 9 October 2000.
35. Protocol on the Agreement between Russian Federation and the Republic of Kazakhstan for the delimitation of the North Part of the Caspian Sea with the aim of practicing sovereign rights for the exploitation of 6 July 1998, Moscow 13 May 2002.
36. FSY Energy, Petoleum Argus Weekly Newsletter, 17 May 2002.
37. Times of Central Asia, "Kazmunai Gaz and Lukoil from JV to explore Caspian Sea", 21 April 2003.

38. FSU Oil & Gas Monitor, 15 October 2003.
39. "Russia oil giants plan Caspian Venture", Associated Press, 1 July 2003.
40. FSU Energy, Petroleum Argus Weekly Newsletter, 6 December 2002.
41. FSU Oil & Gas Monitor, 15 October 2003.
42. Baku Declaration between the Republic of Azerbaijan and the Russian Federation, 9 January 2001, Baku.
43. FSU Oil & Gas Monitor, 25 September 2002.
44. Press Release, Caspian Business News, 9 March 2003.
45. Interview of the Kazakh President Nursultan Nazarbayev to the Russian Daily Izvestia, 4 October 2002.
46. See "Kazakhstan pushes for trilateral Caspian deal", The Times of Central Asia, 10 October 2003.
47. FSU Oil & Gas Monitor, 21 May 2003.
48. A. Vatanka, "Azerbaijan - Iran tension create obstacle to Caspian resolution", 29 January 2003.
49. FSU Oil & Gas Monitor, 30 April 2003.
50. S. Blagov, "Russo - Azerbaijani deal on Caspian encourage Putin's ambition", Eurasianet, 25 September 2002.